



سهم زنان مطلقه از اموال حاصله طی زندگی مشترک

ملیحه اسحاقی

نشر پلی

۱۳۹۵

سرشناسه	: اسحاقی، ملیحه، ۱۳۶۷ -
عنوان فرار جادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Laws, etc
عنوان و نام پدیدآور	: سهم زنان مطلقه از اموال حاصله طی زندگی مشترک/ملیحه اسحاقی.
منشخصات نشر	: تهران : انتشارات پلک، ۱۳۹۵.
منشخصات ظاهری	: ۱۳۲ص.
شابک	: ۶- ۴۰۱- ۲۳۵- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: هیا
بازداشت	: کتابخانه.
موضوع	: اموال زوجین
موضوع	: Marital property
موضوع	: اموال زوجین -- ایران
موضوع	: Marital property -- Iran
موضوع	: اموال زوجین (فقه)
موضوع	: (Marital property (Islamic law
موضوع	: تقسیم عادلانه اموال زوجین
موضوع	: Equitable distribution of marital property
موضوع	: اجرت‌المثل
موضوع	: Adequate payment*
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۵ KMH/۵۴۰الف/س ۹
رده بندی دیویی	: ۳۴۹/۵۵۰ ۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۲۷۸۱۹۴

انتشارات پلک

سهم زنان مطلقه از اموال حاصله طی زندگی مشترک

ملیحه اسحاقی

نویت و سال چاپ: لول ۱۳۹۵/

چاپ و صحافی: کیمیا قلم

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۶- ۴۰۱- ۲۳۵- ۹۶۴- ۹۷۸

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

آدرس نشر: خیابان انقلاب- خیابان وصال شیرازی- ساختمان شماره ۱۷ طبقه ۴- واحد ۵

تلفن: ۶۶۴۸۱۰۶۵

فهرست مطالب

۱	مقدمه:
۲	بیان مساله :
۳	سؤال‌های اصلی تحقیق:
۴	فرضیه‌های تحقیق:
۴	اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:
۴	اهداف تحقیق:
۵	سازمان دهی تحقیق :
۶	بخش اول:
۶	مفهوم اموال حاصل از دوران مشترک زناشویی:
۷	فصل اول : اموال مشترک زوجین
۷	گفتار اول : نظریات مختلف در مورد رابطه مالی زوجین
۷	مبحث اول: نظریه ولایت شوهر و محجوریت زوجه
۷	مبحث دوم: نظریه اشتراک کامل اموال
۸	مبحث سوم: نظریه افتراق کامل اموال
۸	مبحث چهارم : نظریه اشتراک نسبی اموال
۸	مبحث پنجم : نظر فقها در مورد رابطه مالی زوجین

۹.....	گفتار دوم: تعریف اموال مشترک زوجین.....
۱۰.....	گفتار سوم: مبنای اشتراک زوجین در اموال.....
۱۱.....	مبحث اول: قاعده لاضرر.....
۱۳.....	مبحث دوم: احترام فعل مسلمان.....
۱۴.....	مبحث سوم: قاعده عدل.....
۱۵.....	مبحث چهارم: ادله "شرط تنصیف تا نیمی از دارائی" در سبذازدواج.....
۱۷.....	مبحث پنجم: قاعده احسان.....
۱۸.....	فصل دوم: حقوق مالی اختصاصی زوجه.....
۱۹.....	گفتار اول: مالکیت زوجه از نظر فقهی.....
۲۲.....	گفتار دوم: مالکیت زوجه از نظر حقوقی.....
۲۴.....	گفتار سوم: شرایط اهلیت استیفاء و تصرف زوجه در اموال خود.....
۲۶.....	گفتار چهارم: مبنای استقلال اقتصادی و مالکیت زوجه.....
۲۶.....	مبحث اول: اصل مالکیت.....
۲۸.....	مبحث دوم: مالکیت دسترنج.....
۲۹.....	مبحث سوم: آیات وجوب پرداخت اموال زوجه.....
۳۱.....	مبحث پنجم: حق تمتع زوجه در قانون.....
۳۲.....	بخش دوم.....
۳۲.....	حقوق مالی زوجه.....
۳۲.....	طی دوران زندگی مشترک.....
۳۳.....	فصل اول: حقوق ناشی از عقد نکاح قبل از انحلال آن.....
۳۳.....	گفتار اول: مهر.....
۳۵.....	مبحث دوم: رعایت نرخ تورم در پرداخت مهر.....
۳۶.....	مبحث سوم: تقدم مهر بر دیون مرد.....
۳۷.....	گفتار دوم: نفقه.....

۴۰	مبحث دوم : شرایط استحقاق نفقه
۴۳	گفتار سوم: اجرت المثل
۶۶	فصل دوم : حقوق ناشی از عقد نکاح بعد از انحلال
۶۶	گفتار اول: نحله (بخشش)
۹۱	بخش سوم:
۹۱	آثار ناشی از اموال مشترک
۹۱	دوران زندگی نسبت به زوجه
۹۲	فصل اول : مالکیت
۹۳	گفتار اول: مالکیت در عین
۹۵	گفتار دوم: مالکیت در منفعت
۹۷	فصل دوم : حق تصرف
۹۹	گفتار اول: انواع تصرف
۱۰۵	فصل سوم : تقسیم دارایی
۱۱۳	نتیجه گیری:

مقدمه:

یکی از بحث‌های مهم و چالش برانگیزی که در نظام حقوقی ایران مطرح است، مسأله حقوق زنان می باشد. با توجه به بررسی های تاریخی از گذشته تا کنون، زنان در زمینه ی جایگاه حقوقیشان همواره با ضعف ها و خلأهایی روبه رو بوده اند، حتی در زمان کنونی هم در بعضی از کشورها زنان در مورد جایگاه و حقوقشان با نابرابری هایی مواجه هستند. با توجه به اینکه یکی از مشخصه های غیرقابل انکار در وضعیت اجتماعی تساوی حقوق همه ملت می باشد، حقوق زنان هم از آن دسته مواردی است که در این عرصه مطرح می شود، اهمیت حقوق زن در نظام حقوقی ایران تا آن حد است که در مقدمه و متن قانون اساسی هم عنوان زن را آورده اند، به گونه ای که در اصل بیستم قانون اساسی آمده است: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند." هم چنین در اصل چهارم قانون اساسی نیز تصریح شده است که کلیه قوانین و مقررات باید براساس موازین اسلامی باشد پس هر حرکتی برای اصلاح وضعیت اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زنان به تصریح قانون اساسی تنها در چارچوب اجتهاد فقهای جامع الشرایط پذیرفتنی است، لذا با توجه به شرایط فرهنگی و عرفی و آداب و رسوم جامعه متناسب با خولسته ها و نیازهای زمان و مکان و به روز رسانی نظر فقهای اسلامی امکان اصلاح قوانین و مقررات در کشور ایران درخصوص زنان و حقوق آنان امکان پذیر می باشد.

در نظام حقوقی ایران، حق تساوی زن و مرد تأمین شده و برای ایجاد رابطه زوجیت و ازدواج، رضایت و قصد هر دو طرف را لازم دانسته است، هنگامی که عقد نکاح بین طرفین منعقد می شود وظایف قانونی به عهده طرفین مستقر شده و در مقابل حقوقی مشخص را نیز دارا می شوند، در قانون مدنی در قسمت حقوق خانواده، شرایط تشکیل خانواده و انحلال آن، روابط زوجین با یکدیگر و فرزندان و ضمانت اجرای حقوق و تکالیف زن و شوهر تعیین شده است. با توجه به این که حقوق خانواده در ایران برگرفته از تعالیم اسلامی می باشد، لذا مقررات در این محدوده بر اساس عدالت بنا شده است، اما درحقوق غرب که تنها به مسائل و حقوق فردی پرداخته می شود، نظام حقوقی آن ها نقش چندانی درحقوق خانواده ندارد.

اغلب زنان با خلعه داری و کار در منزل شوهر، ملند تهیه غذا و شستشو، نظافت منزل و غیره که جزء وظایف شرعی و قانونی زن نیست، اما دارای ارزش اقتصادی است. زمینه فعالیت های مرد را در خارج از خلعه فراهم می کنند؛ از طرف دیگر، در حقوق ایران، تنها یک رژیم مالی بر روابط زوجین حاکم است و آن رژیم استقلال مالی زوجین (افتراق کامل اموال) می باشد؛ یعنی زن و شوهر در دوران زندگی زنشویی از دو دارایی ممتاز و جدا از هم برخوردارند. به عبارت

دیگر، اموال زن و مرد دارایی مشترکی را تشکیل نمی دهند و زن پس از عقد نکاح در اداره، تنظیم و تصرف اموال و دارایی های سابق یا اموال مکتسبه در دوران زنشویی استقلال کامل دارد و ریاست شوهر بر خانواده، هیچگونه اختیاری در اموال زوجه، برای او بوجود نمی آورد. پس از انحلال نکاح نیز دارایی مشترک، آن گونه که امروزه در حقوق کشورهای غربی و غیر آن مرسوم است، مطرح نیست و اگر اختلاطی بین اموال زن و مرد به وجود آید، در صورت عدم امکان اثبات مالکیت از طرف هر یک از زوجین، باید همانند اموال مشاع قهری بین آنها تقسیم شود.

به رغم مطالب یاد شده، از آن جا که زنان خانه دار خود را شریک زندگی و خله مرد را خله خود می دانند، منتهای خدمت و تلاش را برای سر و سامان دادن به آن، به کار می گیرند و برای پایدار ماندن نهال خانواده حتی از حقوق اولیه خود، یعنی خوراک و پوشاک و دیگر هزینه های زندگی صرف نظر کرده، آن را به حداقل می رسانند. همچنین به خاطر این که این زنان معمولاً به جدایی و طلاق و گسیخته شدن چنین کثونی که نیرو و جوانی و سلامت خود را فدای آن نموده اند، فکر نمی کنند، سخنی از حق الزحمه و اجرت هم به میان نمی آورند و یا چون نمی خواهند فضای صمیمی و خالصانه زندگی را با این مسایل مکدر کنند، لب فرو می بندند. در این حالت است که اگر خود را در معرض طلاق ببینند، همه چیز را از دست داده و با آینده ای تاریک مواجه می شوند.

بر اساس رژیم مالی حاکم بر زوجین در حقوق ایران، تمام درآمدهای به دست آمده توسط هر یک از زوجین در این مدت، به خودشان اختصاص دارد ولی زن در مقابل فعالیت خود در منزل شوهر، از هر درآمدی بی نصیب مانده و دچار چالش جدی می گردد. از این رو، مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۷۱ قثونی را در مورد اجرت المثل و نخله زن به تصویب رسانید که تحقیق حاضر ضمن بررسی مبانی شرعی و ادله فقهی این دو نهاد، از جهت حقوقی آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهد و در پایان نیز اشاره ای کوتاه به پیامدهای اجتماعی آن دارد.

بیان مساله :

بر اساس شرع و قثون، زوجین وظایف مشترکی در برابر هم دارند، اما به طور غالب زناتی که خارج از خله کار می کنند بدون سند و مدرک اموال را در اختیار رئیس خانواده (شوهر) می گذارند و زنان خله دار تمام یا بخش اعظم فعالیت های خود را در منزل شوهر صرف می کنند. تا زمانی که زندگی مشترک ادامه دارد، مشکلی رخ نمی دهد، اما همین که این زندگی دچار تزلزل شد و مسئله طلاق و جدایی مطرح گردید، وضع به گونه ای دیگر خواهد شد. بر اساس رژیم مالی حاکم بر زوجین در حقوق ما، تمام درآمدهای به دست آمده توسط هر یک از زوجین

در این مدت، به خودشان اختصاص دارد ولی زن در مقابل فعالیت خود در منزل شوهر، از هر درآمدی بی نصیب مانده و دچار چالش جدی می گردد. حال یکی از مشکلات زنان مطلقه نقص قوانین اعلامی و فقدان قوانین حمایتی در حوزه قوانین مالی در خانواده است. به عنوان مثال مدل اسلام و به تبعیت از آن نظام قانونی ما در خصوص وضعیت مالی زوجین، افتراق کامل دارائی هاست؛ امری که اگرچه منبع بسیاری از دست اندازیهای مردان بر اموال زنان شده، اما نتوانسته حمایت کاملی برای او به وجود آورد. زیرا امروزه علی رغم ورود زنان به عرصه اشتغال، ثبوت عظیمی از آنان در خلعه هستند و به فعالیت های مربوط به آن می پردازند. در حقیقت زنان خانه دار که به دلیل تقاضای همسر و یا حفظ بنیان خانواده، کار در خارج از منزل را رها کرده و در داخل خانه مشغول می شوند، به دلیل عدم دغدغه مندی مردان در پرداخت حقوق مالی ایشان، وضعیت نابسامان تری را تجربه می کنند.

مشکل از جایی آغاز می شود که زن با وجود استعدادها و توانمندی هایش در خلعه می ماند و فضای آن را برای رشد و تعالی همه افراد خانواده و علی الخصوص مرد، فراهم می نماید. از این رهگذر مرد با خاطری آسوده و پشتوانه ای محکم شروع به فعالیت کرده و در این راستا دارائی هایی نیز بدست می آورد، اما چیزی که فراموش می شود مساعدتها و هم فکری های زن است. فلذا هنگام انحلال زندگی مشترک و جدائی، زن با وجود فعالیت ها و هم فکری های فراوان و مؤثر، از دارائی های حاصل آمده در دوران زندگی مشترک هیچ سهمی نخواهد داشت و اگر ما معتقد باشیم که هر عملی محترم و درخور ما به ازاست می بایست علاوه بر کارهایی که مستقیماً منجر به تولید کالا و خدمات و ازدیاد ثروت می شود، کارهایی که بطور غیرمستقیم منجر به این امر می شوند را نیز ملحوظ نظر قرار دهیم. شاید در نگاه اول وجود خلأ فوق امری ساده و کم اهمیت جلوه کند، لکن در عمل صدمات جبران ناپذیری را به ساخت خانواده وارد آورده است. قانون گذار راهکار هایی برای حمایت از حقوق زن مانند "شرط تنصیف تا نیمی از دارائی" را ارائه داده است. حال در این تحقیق می خواهیم بدانیم تکلیف این حقوق از دست رفته زن و خدمات بی اجر و مزد او در خلعه مرد چه می شود؟ و راهکارهایی که برای حمایت از زنان در این راستا صورت گرفته کدامند؟ همچنین مبانی فقهی و حقوقی آنها و نقاط ضعف و قوت آنها را بهتر بشناسیم.

سؤال های اصلی تحقیق:

۱- آیا در نظام حقوقی ایران زوجه نسبت به اموال حاصله در دوران زندگی مشترک حقی

دارد؟

۲- آیا راهکار "شرط تنصیف تا نیمی از دارائی" در عقدنامه‌ها ی ازدواج دارای مبانی فقهی و حقوقی می باشد؟

۳- راهکارهایی که تا کنون در مورد حمایت از حقوق زوجه در زندگی مشترک، ارائه شده مناسب بوده است؟

فرضیه‌های تحقیق:

- ✓ متأسفانه در نظام حقوقی ایران وضعیت زوجه نسبت به اموال حاصله در دوران زندگی مشترک عادلانه نبوده و هنوز راهکار مناسب و بی نقصی در خصوص احیای حقوق زوجه نسبت به اموال حاصله در دوران زندگی مشترک پندست نیامده است.
- ✓ دیدگاه های مختلفی در خصوص مبنا فقهی و حقوقی "شرط تنصیف تا نیمی از دارائی" در عقدنامه‌ها وجود دارد که مخالفان و موافقان خود را دارد.
- ✓ راهکارهای که تا کنون در مورد حمایت از حقوق زوجه در زندگی مشترک، ارائه شده متأسفانه مناسب نبوده و هریک نواقص و پیچیدگی های سوء خود را داشته است.

اهمیت و ضرورت انجام تحقیق:

قولین جاری و موجود نمی توانند در حد مطلوب و متناسب حقوق و سهم زوجه را در زندگی مشترک جبران کنند و ملاک و معیار دقیقی ندارد مثلاً در قلمون شرط تنصیف دارایی، ممکن است سهم زن در زندگی مشترک بیشتر از نصف آن باشد و ایرادهای فراوان دیگری نیز در این موضوع وجود دارد که در پایان نامه به بررسی آن می پردازیم. لذا باید تدابیری اندیشیده شود و قولینی وضع گردد که بر اساس آن سهمی عادلانه و مناسب برای زوجه در نظر گرفته شود چراکه اگر این سهم کم باشد موجب تضییع حقوق زن می گردد و اگر سهم زوجه بیش از حق او باشد موجب افزایش آمار طلاق و رشد سن ازدواج می شود.

دیدگاه های مختلفی در مورد حمایت از این نوع زنان وجود دارد که در این تحقیق به بررسی آنها می پردازیم.

اهداف تحقیق:

- ✓ ارائه راهکاری مناسب در راستای حمایت از حقوق زنان مطلقه و پیشگیری از تضییع حقوق آنان.
- ✓ ارائه راهکارهایی در خصوص دادرسی عادلانه و جلوگیری از اطاله دادرسی.

سازمان دهمی تحقیق :

این پژوهش در یک مقدمه و در سه بخش انجام شده که هر بخش به شرح ذیل دارای فصل بندی خاص خود می باشد:

بخش اول: مفهوم اموال حاصل از دوران مشترک زناشویی ، مسلماً بعد از ازدواج اموالی بواسطه عمل زوجین به وجود می آید که در سه فصل به بررسی آنها پرداخته شده است فصل اول : اموال مشترک زوجین. فصل دوم : اموال اختصاصی زوج و فصل سوم : حقوق مالی اختصاصی زوجه و اما بخش دوم: حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک، عمل هر فردی محترم است زوجه نیز دارای عملی محترم و اموالی است که بعد از ازدواج حاصل میشود در این بخش به بررسی حقوق مالی زوجه طی دوران زندگی مشترک پرداخته ایم و چنین فصل بندی نموده ایم. فصل اول : حقوق نثسی از عقد نکاح قبل از انحلال ، فصل دوم : حقوق نثسی از عقد نکاح بعد از انحلال، و در بخش سوم: آثار ناشی از اموال مشترک دوران زندگی نسبت به زوجه، بررسی شده است، حدوث حق مالکیت آثاری دارد که در این بخش به فصل بندی این آثار پرداخته ایم ، فصل اول : مالکیت، فصل دوم : حق تصرف و فصل سوم : تقسیم دارایی.

بخش اول
مفهوم اموال حاصل از
دوران مشترک زناشویی

فصل اول : اموال مشترک زوجین

در این فصل ابتدا نظریات مختلف درمورد رابطه مالی زوجین رلیان نموده و سپس به تفصیل در مورد مفهوم اموال مشترک زوجین در حقوق غرب و حقوق ایران و مبنای این اشتراک خواهیم پرداخت .

گفتار اول : نظریات مختلف در مورد رابطه مالی زوجین
درمورد رابطه مالی زوجین از گذشته ها تا به امروز پنج نظریه مختلف بیان شده که در ذیل بصورت مختصر به آنها می پردازیم.
مبحث اول: نظریه ولایت شوهر و محجوریت زوجه

در خصوص روابط مالی زوجین قدیمی ترین رژیم ، محجور بودن زن و ولایت مرد بر اوست. در این رژیم مالی زن نمی تواند در دارایی خود مستقلاً تصرف نماید ؛ او می تواند مالک شود و به اصطلاح از اهلیت تمتع برخوردار است ، اما نمی تواند حق خود را در مورد اموال اعمال کند و به اصطلاح فاقد اهلیت استیفا است. در این نگرش زن در مورد اموال خود همانند صغار و سفها فاقد استقلال است. (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۸۶). اما به تدریج در قوانین کشورهای مختلف جهان تجدید نظر به عمل آمده و سلطه مرد بر اموال زن لغو گردید.

مبحث دوم: نظریه اشتراک کامل اموال

در حقوق برخی کشورها مشاهده می شود: زوجین در تمام دارایی ها اعم از اموالی که پیش از ازدواج مالک آن بوده اند یا اموالی که پس از ازدواج تحصیل کرده اند یا منقول و غیر منقول و یا اموالی که به هریک از آن دو به ارث رسیده است مالکیت مشترک دارند. (همان) .

بنابراین مقصود از اشتراک اموال مالکیت مشاع زن و شوهر در اموال و دارایی هاست که اشتراکی مطلق و کامل است.

مبحث سوم: نظریه افتراق کامل اموال

در این رابطه مالی، زن و شوهر مالکیت خود را بر اموالی که پیش از ازدواج داشته اند حفظ می کنند و اموالی را که پس از آن در دوران زوجیت به دست می آورند به طور مستقل مالک شده و می توانند در آن تصرف نمایند. (همان). پس در این رابطه مال هر یک از زن و شوهر بطور مستقل بر اموال خود سلطه دارد و می تواند هر طور که بخواهد در آن تصرف نمایند.

مبحث چهارم: نظریه اشتراک نسبی اموال

در این صورت اموال زوجین به سه دسته تقسیم خواهد شد، اموال اختصاصی شوهر، اموال اختصاصی همسر و اموال مشترک زن و شوهر؛ به عنوان مثال می توان فرض کرد که زوجین بر اموالی که پیش از ازدواج کسب کرده اند یا بر تملکات بلاعوض (ارث، هبه غیر معوض، صلح غیر معوض و...) مالکیت مستقل و در سایر اموال مالکیت مشترک داشته باشند. (همان، ۸۶). بنابراین ممکن است زن و شوهر در بعضی از اموال خود به طور مشترک مالک باشند و در رابطه با بعضی دیگر از اموال مالکیت مستقل خود را حفظ نمایند.

مبحث پنجم: نظر فقها در مورد رابطه مالی زوجین

نظر برگزیده در فقه شیعه در مورد روابط مالی زوجین، «استقلال مالی زوجین» یا همان افتراق کامل دارایی های زن و شوهر است.

فقیهان معتقدند که وقتی انسان به سن بلوغ، عقل و رشد می رسد از تحت ولایت پدر خارج می شود و خود توان اداره اموال خود را پیدا می کند و از این پس هیچکس نمی تواند بدون اجازه وی در اموالش تصرف نماید و عقد ازدواج نیز هیچ تاثیری در رابطه مالی زوجین ایجاد نمی کند و زن و مرد پس از عقد نیز همانند پیش از عقد، از نظر مالی استقلال دارند.

هرچند عقد ازدواج برای زن ایجاد حقوق می کند و تکالیفی مثل پرداخت نفقه یا مهریه را بر عهده شوهر می گذارد اما این به معنای مالکیت مشاع زن و شوهر و سهم داشتن زن در دارایی شوهر نیست و نیز درست است که ریاست خانواده از خصایص شوهر است اما این به معنای ولایت شوهر بر دارایی زن نیست. (همان، ۸۸). در هر حال امتیاز نظام حقوقی اسلام و

مبحث سوم: نظریه افتراق کامل اموال

در این رابطه مالی، زن و شوهر مالکیت خود را بر اموالی که پیش از ازدواج داشته اند حفظ می کنند و اموالی را که پس از آن در دوران زوجیت به دست می آورند به طور مستقل مالک شده و می توانند در آن تصرف نمایند. (همان). پس در این رابطه مال هر یک از زن و شوهر بطور مستقل بر اموال خود سلطه دارد و می تواند هر طور که بخواهد در آن تصرف نمایند.

مبحث چهارم: نظریه اشتراک نسبی اموال

در این صورت اموال زوجین به سه دسته تقسیم خواهد شد، اموال اختصاصی شوهر، اموال اختصاصی همسر و اموال مشترک زن و شوهر؛ به عنوان مثال می توان فرض کرد که زوجین بر اموالی که پیش از ازدواج کسب کرده اند یا بر تملکات بلاعوض (ارث، هبه غیر معوض، صلح غیر معوض و...) مالکیت مستقل و در سایر اموال مالکیت مشترک داشته باشند. (همان، ۸۶). بنابراین ممکن است زن و شوهر در بعضی از اموال خود به طور مشترک مالک باشند و در رابطه با بعضی دیگر از اموال مالکیت مستقل خود را حفظ نمایند.

مبحث پنجم: نظر فقها در مورد رابطه مالی زوجین

نظر برگزیده در فقه شیعه در مورد روابط مالی زوجین، «استقلال مالی زوجین» یا همان افتراق کامل دارایی های زن و شوهر است.

فقیهان معتقدند که وقتی انسان به سن بلوغ، عقل و رشد می رسد از تحت ولایت پدر خارج می شود و خود توان اداره اموال خود را پیدا می کند و از این پس هیچکس نمی تواند بدون اجازه وی در اموالش تصرف نماید و عقد ازدواج نیز هیچ تاثیری در رابطه مالی زوجین ایجاد نمی کند و زن و مرد پس از عقد نیز همانند پیش از عقد، از نظر مالی استقلال دارند.

هرچند عقد ازدواج برای زن ایجاد حقوق می کند و تکالیفی مثل پرداخت نفقه یا مهریه را بر عهده شوهر می گذارد اما این به معنای مالکیت مشاع زن و شوهر و سهم داشتن زن در دارایی شوهر نیست و نیز درست است که ریاست خانواده از خصایص شوهر است اما این به معنای ولایت شوهر بر دارایی زن نیست. (همان، ۸۸). در هر حال امتیاز نظام حقوقی اسلام و

فقه بر نظامهای دیگر در خصوص روابط مالی زوجین، اولاً: در اعطای استقلال کامل مالی به زن و ثانياً: در تقدم تاریخی اعلام استقلال مالی زن است.

گفتار دوم: تعریف اموال مشترک زوجین

اموال مشترک زوجین در حقوق فرانسه این گونه تعریف شده است که مجموعه ای از اموال را به ملکیت مشاع زوجین در می آورند. مجموعه ای که باید پس از انحلال نکاح بین هر یک از زن و شوهر یا وراث آنان تقسیم شود. (Encyclopedie, ۱۹۷۵, P.۳).

لذا در کشورهای اروپایی با توجه به اینکه هزینه های زندگی به صورت مشترک تأمین می شود، غالباً دارایی ها نیز به صورت اشتراکی است. در سوئد اغلب با تشکیل جلسه کارشناسی، دارایی زوجین مشخص شده و غالباً به صورت مساوی تقسیم می شود؛ هرچند که تساوی در تقسیم الزمی نیست، مثلاً در مواردی که رابطه ازدواج کوتاه تر از پنج سال باشد. در کانادا هنگام طلاق، ارزشی که در مدت ازدواج به دارایی خانواده افزوده شده است، باید به صورت مساوی بین دو طرف تقسیم شود. برای این کار دارایی خالص هر طرف (زن و شوهر) به طور جداگانه محاسبه شده و مابه التفاوت دارایی خالص دو طرف مشخص می گردد. نیمی از مابه التفاوت دارایی باید به کسی که دارایی کمتری دارد، پرداخت شود تا هر دو طرف در هنگام طلاق دارایی خالص یکسانی داشته باشند. آلمان با تصویب یک لایحه جدید در این زمینه، موجودی اموال در روز درخواست طلاق را مبنای تقسیم قرار داده و در صورت نگرانی یکی از دو طرف در خصوص برداشت غیرتوافقی از روی اموال توسط طرف دیگر، وی می تواند با مراجعه به دادگاه، تقاضای مسدود شدن حساب های بانکی را مطرح کند. همچنین می تواند با حکم دادگاه از فروش اموال نیز جلوگیری به عمل آورد. ممکن است یکی از دو طرف پیش از ازدواج مقروض بوده و پس از ازدواج، با کمک یکدیگر، به صورت مشترک اقدام به پرداخت بدهی وی کرده باشند. در چنین صورتی، حین تقسیم اموال، مبلغ بدهی های پیشین یکی از دو طرف که به صورت مشترک تسویه شده است نیز مدنظر مجری قانون قرار خواهد گرفت. (منوچهریان، ۱۳۴۲: ۶۶)

اما در حقوق ایران نهادی تحت عنوان اموال اشتراکی زوجین وجود ندارد، لکن تدبیری اندیشیده شده که به صورت قراردادی زوج را شریک اموال زوج نموده و بدین منظور شرطی

در عقد نامه های ازدواج مندرج می شود ، تحت عنوان شرط تنصیف دارایی مرد، لذا عملاً زوجه شریک در دارایی زوج می گردد.

دلیل این مشارکت را چنین بیان نموده اند : زنان خانه دار خود را شریک زندگی و خانه مرد را خانه خود می دانند، منتهای خدمت و تلاش را برای سر و سامان دادن به آن، به کار می گیرند و برای پایدار ماندن نهاد خانواده حتی از حقوق اولیه خود، یعنی خوراک و پوشاک و دیگر هزینه های زندگی صرف نظر کرده، آن را به حداقل می رسانند. هم چنین به خاطر این که این زنان معمولاً به جدایی و طلاق و گسیخته شدن چنین کثونی که نیرو و جوانی و سلامت خود را فدای آن نموده اند، فکر نمی کنند، سخنی از حق الزحمه و اجرت هم به میان نمی آورند و یا چون نمی خواهند فضای صمیمی و خالصانه زندگی را با طرح این گونه مسایل مکدر کنند، لب فرو می بندند. در این حالت است که اگر خود را در معرض طلاق ببینند، همه چیز را از دست داده و با آینده ای تاریک مواجه می شوند. به عبارتی دیگر زن با وجود استعدادها و توانمندی هایش در خانه می ماند و فضای آن را برای رشد و تعالی همه افراد خانواده و علی الخصوص مرد، فراهم می نماید. از این رهگذر مرد با خاطری آسوده و پشتوانه ای محکم شروع به فعالیت کرده و در این رستا دارایی هایی نیز بدست می آورد، اما چیزی که فراموش می شود مساعدت ها و هم فکری های زن است. فلذا هنگام انحلال زندگی مشترک و جدائی، زن با وجود فعالیت ها و هم فکری های فراوان و مؤثر، از دارائی های حاصل آمده در دوران زندگی مشترک هیچ سهمی نخواهد داشت، و اگر ما معتقد باشیم که هر عملی محترم و درخور ما به ازاست می بایست علاوه بر کارهایی که مستقیماً منجر به تولید کالا و خدمات و ازدیاد ثروت می شود، کارهایی که بطور غیرمستقیم منجر به این امر می شوند را نیز ملحوظ نظر قرار دهیم. وجود این خلأ شاید در نگاه اول امری ساده و کم اهمیت جلوه کند، لکن در عمل صنمات جبران ناپذیری را به ساحت مقدس خانواده وارد می آورد. لذا بنابر شرط ضمن عقد نکاح زوجه مشارکاً مالک نیمی از دارایی حاصله زوج در دوران زنشویی است.

گفتار سوم : مبنای اشتراک زوجین در اموال

در این گفتار به مبنای اشتراک زوجین در اموال حاصله در دوران زندگی مشترک پرداخته شده است.

مفهوم این قاعده این است که در اسلام اضرار به غیر، نه در مرحله قتل و گذاری و نه در مرحله اجراء، مشروعیت ندارد. در تبیین این قاعده و معنای آن، نظرات متعددی عنوان شده است که البته خارج از محل بحث ملست، لیکن معنای مورد نظر ما در خصوص معنا و مفهوم این قاعده این است که اولاً احکام الهی اعم از وضعی و تکلیفی بر مبنای نفی ضرر بر مردم وضع گردیده و ثانیاً چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان بعضی توسط بعض دیگر گردد، آن قوانین مرتفعند (محقق داماد، ۱۳۸۵: ۱۵۱).

۱- آیه نفی ضرر:

آیه: " لا تضر والدة و الولود له بولده (بقره، آیه ۲۳۳) این آیه، مادران و پدران را از ضرر رساندن به فرزندانشان نهی کرده است؛ بنا بر تفسیر دیگر آیه، هر یک از والدین را از ضرر زدن به دیگری، به واسطه فرزندانشان، نهی نموده است. بنابر این، از این آیه شریفه فهمیده می شود که ضرر زدن هر کسی به دیگری، ممنوع و ناروا است.

۲- روایت زراره:

معروف ترین حدیثی که به آن استدلال شده، دلستان " سمره بن جندب " است که در ذیل آن عبارت " لا ضرر و لا ضرار " آمده است " کلینی " در کتاب اصول کافی از " ابن مسکان " و او از " زراره " نقل می کند که، امام باقر (ع) فرموده است:

" در زمان رسول خدا (ص)، شخصی به نام سمره بن جندب در جوار خانه فردی از انصار، درخت خرمايي داشت که آمد و رفت وی از درون زمین آن مرد انصاری بود. سمره بن جندب برای رسیدگی به آن درخت و کارهایش به دفعات و سرزده به زمین مرد انصاری می رفت و به این ترتیب ایجاد مزاحمت می کرد تا این که صاحب خانه به سمره گفت: تو بی خبر و بدون اذن به خانه ام می آیی و ایجاد مزاحمت می کنی، پس از این، هنگام آمد و شد اجازه بگیر. سمره گفت: چنین نمی کنم. مرد انصاری به حضرت رسول (ص) شکایت برد. حضرت به سمره فرمود: از این پس، اذن بگیر. سمره نپذیرفت، حضرت فرمود: از این درخت صرف نظر کن و من در برابر آن، درختی با همان لوصاف در جای دیگر به تو می دهم. سمره نپذیرفت، حضرت

فرمود: ده درخت در مقابل آن می دهم، باز هم قبول نکرد. فرمود: درختی در بهشت به تو می دهم. سمره باز هم نپذیرفت، تا این که حضرت فرمود:

«لنک رجل مضار و لا ضرر و لا ضرار علی مؤمن» یعنی تو مرد سخت گیر و آسیب رسانی هستی و مؤمن نباید به کسی ضرر بزند، بعد از آن دستور داد آن درخت را از ریشه کنند و جلوی سمره انداختند. (حرالعملی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۵۴۸)

مقصود حدیث نفی حکم شرعی زیان زننده بر بندگان است به این معنی که در اسلام حکم زیان جعل نشده است. به دیگر سخن، حکمی که از عمل به آن ضرری بر بندگان وارد آید در اسلام وضع نشده است. نکته قبل توجه آن است که این قاعده صرفاً نقش بازدارندگی ندارد و می تواند در عین حال نقش سازنده نیز ایفا کند. بدین معنا که همانطور که با وجود حکمی ضرری این قاعده اعمال و اجرا شده و مانع اجرای آن می شود، در صورتی که فقدان حکمی موجب ضرر و خسران شود نیز این قاعده حاکم است. همچنین عده ای معتقدند قاعده لاضرر اثبات ضمان نمی کند، زیرا نقش لاضرر این است که حکمی را بردارد نه اینکه حکمی را اثبات کند. مرحوم نائینی از طرفداران این نظر معتقدند که از آنجا که قاعده لاضرر همواره به صورت معارض و مخالف عمومات دیگر وارد صحنه می شود و بر آنها غلبه می کند، لذا همواره باید حکم ثلثی به نحو عموم وجود داشته باشد و برخی مصادیق آن ضرری باشد تا به موجب قاعده لاضرر شمول آن حکم عام نسبت به آن مصداق مرتفع گردد. متقابلاً افرادی چون صاحب الریاض با این نظر مخالفند و در میان ادله خود برای اثبات ضمان به حدیث نبوی استناد می کنند که هنگام وضع حق شفعه برای شفیع جمله لاضرر و لاضرار را متذکر شده و بیان داشته اند که در این مورد، وضع و جعل حق صورت گرفته است. اما نتیجه ای که از این بحث ها می توان گرفت این است که همانطور که جعل قتلون ممکن است برای فرد یا جامعه زیان بار باشد، سکوت و عدم جعل نیز چه بسا خسران به بار آورد و در جریان روابط اجتماعی حقوقی در یک جامعه، همانطور که سوء تدبیرها ممکن است از وضع مقررات نامطلوب باشد، ممکن است به خاطر عدم وضع مقررات مطلوب و انجام ندادن پیش بینی های لازم نیز باشد. (محقق داماد ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۶۰).

اما با استناد به قاعده فقهی لاضرر می توانیم چنین استناد نماییم؛ که به طور کلی نبود یک راهکار حمایتی مناسب و مطمئن در خصوص فعالیت های زن در خانواده و نقش مؤثر وی در قوانین مربوطه و به طور خاص شریک نکردن زوجه در دارائی حاصل آمده در دوران زندگی

مشترک، راه را برای بروز ضررهای جبران‌ناپذیری باز می‌کند که با توجه به قاعده فوق می‌بایست برطرف گردد. به عبارت دیگر شاید در نگاه اول راهکارهای متعددی برای تأمین حقوق مالی زوجه به نظر آید، لکن این راهکارها حمایتی نبوده و مسیر سخت و دشواری را برای احقاق حقوق زن ترسیم می‌کند. از طرف دیگر نیز فقدان راهحلی کارآمد و سریع‌الاجراء، خود مصداق بارز ضرر است؛ ضرری عظیم که بر زن و به دنبال آن خانواده وارد می‌آید و توالی فاسد بسیاری را بدنبال دارد. آیا نمی‌توان با وضع مقرره‌ای قلمونی این خلأ را پر کرده و جلوی ضرر را گرفت؟

مبحث دوم: احترام فعل مسلمان

احترام در فقه به معنای حرمت نگاه داشتن و ارج نهادن است. از احترام در بیشتر ابواب فقه اعم از عبادات، عقود، ایقاعات و احکام سخن رفته است. احترام مال و عمل مسلمان به این معناست که نمی‌توان در مال ایشان به طور مجانی تصرف نمود و به حقوق‌شان تعدی کرد؛ چراکه این تجاوز به حقوق جایز نیست. همین‌طور اگر عملی هم از جانب وی انجام شود محترم بوده و باید اجرت آن پرداخت شود. (مصطفوی، ۱۴۱۷: ۲۴) تمسک به قاعده احترام به مال مسلم، برای احترام و صیانت از مال مسلمانان به مثابه جان و خون آنها، تعیین جواز پرداخت اجرت‌المثل و نیز حرمت در تصرف مال غیر بدون اذن و اجازه و بطلان عمل در این صورت است.

عمل مسلمان تا وقتی که قصد تبرع نکرده باشد محترم است، بنابراین دلال مستحق اجرت است و در صورت فسخ مزارعه و مساقات و مضاربه، عامل مستحق اجرت المثل است. (منتظری یزدی، ۱۳۷۹: ۶۵) همچنین در بیع فاسد و اجاره فاسد، همان‌طور که علمای حقوق هم بیان داشته‌اند، اجرای عدالت و احترام به عمل مسلم، ایجاب می‌کند که حتی اگر بین طرفین قراردادی منعقد نشده باشد، اما از نظر عرف حقی برعهده یکی از دو طرف وجود داشته باشد، او به‌طور قهری ضامن پرداخت است یا باید جبران خسارت نماید. (احمدیه، ۱۳۸۵: ۱۲)

در نتیجه می‌توانیم بگوییم که در خصوص ارزش و اعتبار اموال مؤمنان و احترام به مال و عمل مومن، احادیث و روایات فرلوانی بیان گردیده است که از جمله این عبارات "حرمة مال المومن کحرمة دمه" می‌باشد. از قواعد بسیار قابل توجهی که در فقه اسلامی و در جهت احقاق حق افراد جامعه به آن استناد می‌شود، قاعده احترام مال و عمل شخص مومن است. در

قانون و در مواد بسیاری به مصادیق این قاعده فقهی بر می خوریم که می توان به مواد (۳۳۶ و ۳۳۷) قانون مدنی اشاره نمود. همچنین در کلیه مواد مربوط به بردن مال غیر و إتلاف مال غیر، توجه به همین قاعده بوده و در مقابل، قانون خواهان مجازات کلیه کسانی است که مرتکب این اعمال می شوند. بنای عقلا و روایات متعدد مذکور در این باب، مبتین این نکته است که بهره گیری از اموال دیگران و خوردن مال دیگری در شرع اسلام حرام است و این نکته به اندازه ای واضح و عقلانی است که در تمام دنیا برای برقراری نظم و امنیت جامعه به آن توجه خاص شده است. بنابراین هرگونه استفاده و بهره گیری از اموال دیگران منوط به اجازه صاحب مال است و هر عملی که بر خلاف این اصل باشد مردود و مطرود است. مثال دیگر از مصادیق خوردن مال دیگری به باطل، خوردن مال یتیم است. در تمامی این موارد، بر اساس نوع عمل، مجازات و محکومیت های خاصی در قانون پیش بینی شده است و شخصی که مالش به ناحق از ید او خارج شده و کسی دیگری به استیفاء ناروا از آن دست زده باشد، این حق را دارد که از کلیه طرق قانونی و شرعی برای احقاق حقوق حق خود اقدام نماید.

با توجه به مطالب فوق باید گفت که کار و فعالیت های زن در خانه نیز از این امر مستثنی نیست. به عبارت دیگر احترام به عمل زن، به عنوان یک مسلمان، ایجاب می کند که فعالیت های او در خانه و نقشی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در افزایش داری خانواده دارد، نه تنها نادیده گرفته نشوند، بلکه نیازمند پاسخی شایسته و منسب نیز باشد.

مبحث سوم: قاعده عدل

رعایت جلب ائصال در حل دعوی و رفع اختلاف را قاعده عدل گویند.

ائصال مجموعه قواعدی است که در کنار قواعد اصلی حقوق وجود دارد و به استناد متکی بودن بر اصول عالی و برتر اخلاقی می تواند قواعد حقوقی را لغو کند و یا تخصیص دهد. (آل اسحاق خوئینی، ۱۳۸۶: ۹). قاعده عدل و ائصال، از قواعد عقلایی است که در مواردی شارع آن را امضا کرده است، و در دعا و اختلاف حقوقی میان افراد به کار می رود. اگر تشخیص این که حق به جانب کدام یک از طرفین دعوا است، مشکل گردد، بر اساس این قاعده، عدل و ائصال حکم می کند. دعوا به گونه ای رسیدگی شده و پایان یابد که در حق هیچ یک ظلم نشود. از مواردی که در شرع از این قاعده استفاده شده، جایی است که دو نفر مال خود را نزد شخص دیگری به امانت می سپارند یکی دو درهم و دیگری یک درهم و پس از مدتی یک درهم از این